

تحلیل بینامتنیت در اشعار احمد شاملو: بررسی رابطی میان شعر و متن‌های تاریخی-سیاسی در بازنمایی مفاهیم اجتماعی

سمانه جلالی^۱، رویا حسینی^۲

۱. دانشکده ادبیات معاصر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران

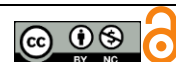
۲. دانشکده ادبیات معاصر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران

✉ ایمیل نویسنده مسئول: drhasaniroya@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی نقش بینامتنیت در اشعار احمد شاملو و ارتباط آن با متون تاریخی و سیاسی می‌پردازد. شاملو با بهره‌گیری از بینامتنیت، به بازنمایی مفاهیم اجتماعی و سیاسی پرداخته و از شعر به‌عنوان ابزاری برای بیان اعتراضات و نقدهای اجتماعی استفاده کرده است. در این پژوهش، پس از معرفی چارچوب نظری بینامتنیت و نظریات ژرار ژنت، نمونه‌هایی از اشعار شاملو که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با وقایع تاریخی و اجتماعی پیوند دارند، مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاملو از طریق استفاده از پیوندهای بینامتنی، به اشعار خود لایه‌های معنایی و تاریخی عمیقی افزوده است که به فهم بهتر پیام‌های اجتماعی و فرهنگی او کمک می‌کند. اشعار شاملو با استفاده از بینامتنیت، به متونی چندلایه تبدیل شده‌اند که نه تنها به‌عنوان اثری ادبی بلکه به‌عنوان سندی تاریخی و اجتماعی قابل بررسی هستند. این پژوهش با ارائه تحلیل‌های عمیق‌تر از بینامتنیت در اشعار شاملو، اهمیت این رویکرد در نقد ادبیات فارسی معاصر را نشان می‌دهد و به درک تأثیرگذاری این اشعار در بازنمایی و نقد واقعیت‌های اجتماعی زمانه کمک می‌کند. دستاوردهای این تحقیق می‌تواند به پژوهش‌های آینده در حوزه بینامتنیت در ادبیات فارسی کمک کرده و به گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه تاریخ، ادبیات و علوم اجتماعی منجر شود.

کلیدواژه‌گان: بینامتنیت، احمد شاملو، شعر فارسی، ادبیات مقاومت، متون تاریخی و سیاسی، نقد اجتماعی.



شبهه استناددهی: جلالی، سمانه، و حسینی، رویا. (۱۴۰۳). تحلیل بینامتنیت در اشعار احمد شاملو: بررسی رابطی میان شعر و متن‌های تاریخی-سیاسی در بازنمایی مفاهیم اجتماعی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۱)، ۱۶-۳۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۸ دی ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۷ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Intertextual Analysis in Ahmad Shamloo's Poetry: Exploring the Relationship Between Poetry and Historical-Political Texts in Representing Social Concepts

Samaneh Jalali¹, Roya Hasani^{2*}

1. Department of Contemporary Literature, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

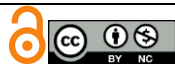
2. Department of Contemporary Literature, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

*Corresponding Author's Email: drhasaniroya@gmail.com

Abstract

This article examines the role of intertextuality in the poetry of Ahmad Shamloo and its connections with historical and political texts. By employing intertextuality, Shamloo represents social and political concepts, utilizing poetry as a means to express social critique and resistance. This study introduces the theoretical framework of intertextuality, particularly Gérard Genette's theories, and analyzes selected poems by Shamloo that directly or indirectly relate to historical and social events. The findings indicate that Shamloo, through intertextual connections, enriches his poetry with profound historical and social layers that deepen the understanding of his social and cultural messages. Shamloo's poems, through intertextuality, become multilayered texts that serve not only as literary works but also as socio-historical documents. This research underscores the significance of intertextuality in the analysis of modern Persian literature and provides insights into the impact of Shamloo's poetry in representing and critiquing the social realities of his time. The outcomes of this study can contribute to future research on intertextuality in Persian literature and foster interdisciplinary studies across history, literature, and social sciences.

Keywords: *Intertextuality, Ahmad Shamloo, Persian poetry, resistance literature, historical and political texts, social critique.*



How to cite: Samaneh J., & Hasani, R. (2024). Intertextual Analysis in Ahmad Shamloo's Poetry: Exploring the Relationship Between Poetry and Historical-Political Texts in Representing Social Concepts. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(1), 16-30.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 18 January 2024

Revise Date: 25 February 2024

Accept Date: 13 March 2024

Publish Date: 1 April 2024

در لایه‌های زیرین آن وجود دارند و خواننده را به یافتن این پیوندها تشویق می‌کنند. در آثار شاملو، این پیوندها با متون تاریخی و سیاسی، به‌ویژه متون مرتبط با مبارزات اجتماعی و وقایع سیاسی ایران، به‌خوبی مشهود است. شاملو با استفاده از این پیوندها توانسته است مفاهیم اجتماعی و سیاسی را به شکل عمیق‌تری به مخاطبان منتقل کند و از این طریق نقشی مؤثر در آگاهی‌بخشی اجتماعی ایفا نماید (2).

بیان مسئله در این پژوهش بر تحلیل ارتباط بین شعر شاملو و متون تاریخی-سیاسی به منظور بررسی و تبیین مفاهیم اجتماعی متمرکز است. شاملو در اشعار خود از مضامین تاریخی و سیاسی به‌عنوان ابزاری برای نقد جامعه و حاکمیت بهره برده است. این ارتباط میان اشعار او و متون تاریخی-سیاسی، نه‌تنها به افزایش عمق معنایی آثارش منجر شده، بلکه از شاملو یک شاعر چندوجهی و منتقد اجتماعی ساخته است که در عرصه مبارزات فکری و ادبی نقش بسزایی دارد. مسئله‌ای که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، نحوه به‌کارگیری شاملو از بینامتنیت برای بیان اعتراضات و نقدهای اجتماعی و سیاسی است. از آنجا که شعر شاملو بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌های مختلف است، این تحقیق تلاش دارد تا به بررسی عمیق‌تر این پیوندها بپردازد و نشان دهد که چگونه شاملو از متون تاریخی-سیاسی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان خود بهره می‌برد. این پژوهش بر آن است که ارتباط میان شعر شاملو و متون تاریخی-سیاسی را در بستر نظریه بینامتنیت تحلیل و بررسی کند و از این طریق به درک بهتری از ابعاد مختلف نقد اجتماعی و سیاسی در اشعار او دست یابد (3).

یکی از دلایل اهمیت بینامتنیت در اشعار شاملو، توانایی این رویکرد در ایجاد لایه‌های معنایی پیچیده و عمیق در متن است. شاملو با استفاده از بینامتنیت، موفق شده است اشعاری با مضامین سیاسی و اجتماعی خلق کند که نه‌تنها دارای ابعاد معنایی چندگانه هستند، بلکه به مخاطب امکان می‌دهند تا از زوایای مختلف به

شعر فارسی در طول تاریخ همواره بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده و شاعران این سرزمین با بهره‌گیری از ابزارهای ادبی و زبان استعاری، توانسته‌اند افکار و دیدگاه‌های خود را در قالب اشعار بیان کنند. احمد شاملو یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر فارسی است که با رویکردی نوین به بیان مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته و نقش اساسی در تبیین و نقد اوضاع و احوال جامعه ایفا کرده است. اشعار شاملو اغلب دارای مفاهیم بینامتنی با متون تاریخی و سیاسی هستند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرایط زمانه اشاره دارند و از این طریق، شاعر تلاش می‌کند تا مخاطبان خود را با مسائل اجتماعی و سیاسی آشنا کند. بینامتنیت در آثار شاملو، نه تنها باعث افزایش عمق معنایی اشعارش می‌شود، بلکه ارتباطی پیچیده میان اشعار او و متون تاریخی و سیاسی برقرار می‌سازد که نیازمند تفسیر و تحلیل دقیق است. شاملو با استفاده از بینامتنیت، به‌عنوان یک شیوه بیان و تفکر، توانسته است افکار و اعتقادات خود را به شکلی مؤثر و با ظرافت در اشعارش بازتاب دهد و از این طریق در نقد و بازنگری فرهنگ و سیاست جامعه نقش مؤثری ایفا کند (1).

بینامتنیت به‌عنوان یک نظریه ادبی و رویکرد تحلیل متن، مفهوم جدیدی نیست؛ این رویکرد از گذشته‌های دور در نقد ادبی حضور داشته، اما در دوران معاصر به‌ویژه در قرن بیستم با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی در غرب، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. بینامتنیت، رابطه متنی است که بر اساس آن، یک متن با متون دیگر در ارتباط قرار می‌گیرد و از نظر معنا و مفهوم، تأثیر می‌پذیرد. این نظریه، نخستین بار توسط ژولیا کریستوا مطرح شد و سپس توسط سایر نظریه‌پردازان مانند ژرار ژنت گسترش یافت. ژنت بینامتنیت را به عنوان رابطه‌ای بین متون معرفی کرد که در آن، یک متن می‌تواند معنای خود را از طریق ارتباط با متون دیگر به دست آورد. در واقع، هر متن، محصول تعامل و تبادل با متون دیگر است که

تحلیل و تفسیر این آثار پردازد. این ویژگی، اشعار شاملو را به متونی تبدیل کرده که تنها با خوانش سطحی قابل درک نیستند و نیازمند تحلیل و بازخوانی دقیق‌تر هستند. در واقع، بینامتنیت به شاملو امکان داده تا با استفاده از ارجاعات و اشارات مختلف به تاریخ و سیاست، اشعاری با معنای عمیق و چندوجهی بیافریند که مخاطبان را به تأمل و تفکر وادار می‌کند. این لایه‌های معنایی در اشعار شاملو به گونه‌ای است که می‌تواند با متن‌های مختلف در طول زمان تعامل داشته باشد و هر نسل با توجه به شرایط خود، معنای جدیدی از این اشعار برداشت کند. این توانایی، اشعار شاملو را به متونی جاودانه و تأثیرگذار تبدیل کرده که همواره قابل بازخوانی و تفسیر در بسترهای مختلف هستند (4).

اهداف پژوهش حاضر شامل چندین بُعد است. نخستین هدف، تحلیل و بررسی نحوه استفاده شاملو از بینامتنیت برای بیان مفاهیم اجتماعی و سیاسی در اشعارش است. این هدف به دنبال شناخت بیشتر از روش‌ها و فنون ادبی شاملو در خلق اشعاری با معنای عمیق و چندلایه می‌باشد. در کنار آن، هدف دیگر پژوهش بررسی چگونگی ارتباط اشعار شاملو با متون تاریخی و سیاسی است که به‌عنوان منبعی برای الهام و خلق آثار وی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد چگونه شاملو از بینامتنیت برای بازتاب وقایع اجتماعی و سیاسی بهره می‌برد و از این طریق به نقد و بررسی جامعه می‌پردازد. در نهایت، پژوهش حاضر سعی دارد تا به این سوال پاسخ دهد که آیا بینامتنیت در اشعار شاملو می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد و چه تأثیری بر مخاطبان دارد. این اهداف پژوهش را به سمت تحلیل عمیق‌تری از اشعار شاملو و شناخت بهتر از تأثیرگذاری او بر جامعه و فرهنگ سوق می‌دهند (5, 6).

با توجه به این اهداف، سوالات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشند: چگونه شاملو از بینامتنیت برای بیان مفاهیم اجتماعی و

سیاسی در اشعار خود استفاده کرده است؟ چه ارتباطی میان اشعار شاملو و متون تاریخی و سیاسی وجود دارد و چگونه این ارتباطها باعث افزایش عمق معنایی اشعار او می‌شوند؟ چگونه شاملو از بینامتنیت برای بازتاب و نقد جامعه و حاکمیت استفاده می‌کند؟ و در نهایت، آیا می‌توان گفت که بینامتنیت در اشعار شاملو نقشی کلیدی در تأثیرگذاری وی بر مخاطبان داشته است؟ پاسخ به این سوالات نیازمند تحلیل و بررسی دقیق اشعار شاملو و متون تاریخی و سیاسی مرتبط با آن‌ها است که در این پژوهش به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

از این رو، پژوهش حاضر با بررسی دقیق بینامتنیت در اشعار احمد شاملو تلاش دارد تا به شناختی عمیق‌تر از مفاهیم اجتماعی و سیاسی در آثار این شاعر برجسته دست یابد و نشان دهد که چگونه شاملو با استفاده از این رویکرد، به بیان و نقد جامعه و فرهنگ خود پرداخته است.

روش‌شناسی

ابتدا رویکرد بینامتنی به‌عنوان چارچوبی تحلیلی انتخاب شده که بر اساس آن، رابطه متون مختلف و نحوه تأثیر آن‌ها بر یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریه بینامتنیت به‌ویژه در آثار ژرار ژنت، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات ادبی مدرن شناخته می‌شود که در این پژوهش نیز به کار گرفته شده است. هدف از استفاده از این نظریه، تحلیل و بررسی نحوه استفاده شاملو از متون تاریخی و سیاسی به‌عنوان منابع معنایی است که به تعمیق مفاهیم اجتماعی در اشعار او کمک می‌کنند.

روش پژوهش حاضر کیفی بوده و مبتنی بر تحلیل محتوای بینامتنی است که از طریق خوانش دقیق و انتقادی اشعار شاملو و تطبیق آن‌ها با متون تاریخی و سیاسی مربوط به دوره‌های مختلف ایران، به نتایج خود می‌رسد. انتخاب اشعار به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهای مشخصی انجام شده است؛ بدین صورت که اشعاری انتخاب شده‌اند که به وضوح حاوی مضامین اجتماعی و سیاسی

چندلایه ایفا می‌کند. این نظریه که اولین بار توسط ژولیا کریستوا مطرح و سپس توسط نظریه‌پردازانی مانند ژرژ ژنت توسعه داده شد، بر این اصل استوار است که هر متن در ارتباط و تعامل با سایر متون به سر می‌برد و از این تبادل و هم‌پوشانی معانی بهره‌مند می‌شود. در اشعار فارسی معاصر و به‌ویژه در آثار احمد شاملو، که به شاعر مقاومت و آزادی‌خواهی معروف است، بینامتنیت به ابزاری برای تعمیق معانی و ارجاع به مفاهیم تاریخی و سیاسی تبدیل شده است. پژوهشگران متعددی به بررسی این ویژگی در آثار شاملو پرداخته‌اند و از زوایای مختلف به تحلیل و تبیین رابطه اشعار او با متن‌های تاریخی-سیاسی توجه کرده‌اند (1).

به‌طور کلی، بینامتنیت به‌شکلی وسیع‌تر در نظریات ژنت مفهوم‌سازی شد و به چهار نوع اصلی دسته‌بندی گردید: بینامتنیت، سرمتنیت، بیش‌متنیت و پیرامتنیت. در تحلیل اشعار احمد شاملو، بینامتنیت به‌عنوان روشی برای مطالعه ارجاعات و پیوندهای او به متون تاریخی، ادبیات مقاومت، و اندیشه‌های انقلابی به کار می‌رود. این پیوندها، که گاه مستقیم و گاه به‌شکلی ضمنی و پنهان هستند، به شاملو این امکان را داده‌اند که از اشعارش به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان اعتراضات و افکار سیاسی استفاده کند. پژوهشگران مختلفی، نظیر رضاییگی و همکارانش، به این موضوع پرداخته‌اند و بر اهمیت این رویکرد در تحلیل اشعار شاعرانی چون شاملو و دیگر شاعران معاصر تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند که بینامتنیت می‌تواند به‌عنوان ابزاری جهت رمزگشایی از معناهای پنهان و ارتباط آن‌ها با مفاهیم مقاومت و اعتراض اجتماعی به کار رود. بررسی آثار شاملو از این منظر، نه‌تنها به درک عمیق‌تر آثار وی کمک می‌کند، بلکه دریچه‌ای نو به تحلیل ادبیات مقاومت و پایداری باز می‌کند که به‌شدت در ادبیات فارسی معاصر دیده می‌شود (3).

شعر فارسی به‌ویژه در قرن بیستم به عرصه‌ای برای بازنمایی مقاومت و پایداری تبدیل شد. شاعران این دوره، از جمله شاملو،

هستند و در عین حال با متون و رویدادهای تاریخی مهمی در ارتباط می‌باشند. اشعار منتخب از دیوان‌های مختلف شاملو برگزیده شده و شامل آثار مشهوری است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوعاتی چون ظلم، آزادی‌خواهی، مبارزات اجتماعی و تاریخی اشاره دارند. متون تاریخی-سیاسی نیز از منابع معتبر و مرتبط با رویدادهای مهم تاریخی انتخاب شده‌اند تا مقایسه و تحلیل‌ها با دقت بیشتری انجام گیرد.

در این پژوهش، ابتدا هر شعر به‌صورت مجزا مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در این تحلیل، تمرکز بر روی شناسایی نشانه‌های بینامتنی و ردپای متون تاریخی و سیاسی در اشعار است. سپس برای هر شعر، متنی تاریخی یا سیاسی که محتوا یا رویداد خاصی را دربر دارد، شناسایی شده و با شعر مذکور تطبیق داده می‌شود. این رویکرد تطبیقی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا نحوه به‌کارگیری مفاهیم تاریخی-سیاسی در اشعار شاملو را با دقت بیشتری بررسی کند و به تأثیرات متقابل این متون پی ببرد. برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، از تکنیک‌های کدگذاری و دسته‌بندی مفاهیم استفاده شده است که به پژوهشگر امکان می‌دهد الگوهای تکراری در ارتباط بین شعر و متن‌های تاریخی-سیاسی را شناسایی کند.

در ادامه فرایند تحلیل، هر شعر با استفاده از نظریه بینامتنیت مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود که این بینامتنیت به چه شکل در ایجاد معنای مضاعف یا انتقادی در شعر تأثیر داشته است. به‌ویژه، این تحلیل بر آن است که به ارتباط میان شعر و مفاهیم سیاسی-اجتماعی مورد نظر شاعر پی ببرد و نشان دهد که چگونه شاملو از طریق این روش، مفاهیم عمیق‌تری از وضعیت جامعه و تحولات تاریخی زمانه خود را به خواننده منتقل می‌کند.

پیشینه پژوهش

بینامتنیت به‌عنوان رویکردی تأثیرگذار در تحلیل متون ادبی، به‌ویژه در حوزه ادبیات فارسی، نقش مهمی در تفسیر و شناخت متون

به طور مثال، سعادت شعاع و مرتضایی (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی ناتورالیسم اجتماعی در اشعار شاملو پرداخته‌اند و تأثیرپذیری وی از وقایع تاریخی و شرایط اجتماعی ایران را تحلیل کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاملو با استفاده از بینامتنیت، شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه را در شعرهای خود بازتاب می‌دهد و با ایجاد پیوندهایی میان شعر و واقعیت، به نوعی از اعتراض اجتماعی و انتقال پیام‌های انسانی می‌پردازد. این پژوهش همچنین تأکید دارد که شاملو با استفاده از لحن و زبان خاص خود، از بینامتنیت به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب بهره می‌گیرد و از این طریق به بیان دیدگاه‌های خود در مورد مسائل اجتماعی می‌پردازد (۵).

بینامتنیت در ادبیات مقاومت فارسی نیز به عنوان روشی برجسته برای تجسم مقاومت، مبارزه و ایستادگی در برابر شرایط ناعادلانه به کار گرفته شده است. شاملو با استفاده از این رویکرد، اشعاری را خلق کرده است که نه تنها از نظر زیبایی‌شناختی برجسته‌اند، بلکه از نظر محتوایی نیز به طور عمیق با شرایط تاریخی و سیاسی زمان مرتبط هستند. عباسی و منتظری (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی در اشعار شاملو و ناظم حکمت پرداخته و بر این باورند که شاملو با استفاده از بینامتنیت، توانسته است همانند حکمت، اعتراضات و نقدهای اجتماعی خود را به شکل نمادین و پنهان در شعرش جای دهد. این پژوهش نشان می‌دهد که شاملو از طریق استفاده از بینامتنیت و ارجاعات تاریخی و سیاسی، شعر را به بستری برای اعتراض و مبارزه تبدیل کرده است و از این راه، پیام‌های خود را به شکلی مؤثر و تأثیرگذار به مخاطبان خود منتقل می‌کند (۸).

پژوهش‌های دیگری نیز به تحلیل شیوه‌های استفاده از بینامتنیت در اشعار شاملو پرداخته‌اند. به طور مثال، سلطانی (۲۰۱۵) با تأکید بر میتوپیا و اسطوره‌سازی در شعر شاملو، به بررسی این موضوع پرداخته که چگونه شاملو از طریق ارجاع به مفاهیم اسطوره‌ای و

از شعر به عنوان وسیله‌ای برای بیان اعتراضات خود به شرایط اجتماعی و سیاسی زمان استفاده کردند و آثار آن‌ها، مملو از ارجاعات بینامتنی به تاریخ و سیاست است. پارسا و پیوندی (۲۰۱۲) در پژوهشی به مقایسه اشعار شاملو با اشعار والت ویتمن پرداخته و بینامتنیت را به عنوان عنصر اساسی در شعر این دو شاعر معرفی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که شاملو با بهره‌گیری از سبک و سیاقی خاص و با ارجاع به مفاهیم و ایدئولوژی‌های مختلف تاریخی، در اشعارش لایه‌های معنایی جدیدی خلق می‌کند که به مخاطب امکان می‌دهد به درک عمیق‌تری از شرایط اجتماعی و سیاسی زمان دست یابد. در این پژوهش، نشان داده شده است که شاملو چگونه از طریق بینامتنیت، به بازنمایی مفاهیم اجتماعی و سیاسی می‌پردازد و شعر را به ابزاری برای مقاومت و مبارزه تبدیل می‌کند (۷).

از سوی دیگر، دیدگاه‌های نظری مربوط به بینامتنیت نیز نقش مهمی در تحلیل آثار شاملو و سایر شاعران مقاومت ایفا می‌کند. به عنوان مثال، نظریات بختین درباره گفت‌وگوی متون و تفاوت‌های چندصدایی در متون، امکان تحلیل عمیق‌تر روابط بینامتنی در شعر فارسی را فراهم می‌کند. بر اساس دیدگاه بختین، متون مختلف با یکدیگر وارد نوعی گفت‌وگو می‌شوند و این تعامل، به چندلایگی و چندمعنایی متن منجر می‌شود. شاملو با استفاده از این تعامل و ایجاد گفت‌وگوی بینامتنی میان اشعار خود و متون تاریخی، مفاهیم اجتماعی و سیاسی خاصی را بیان می‌کند. این دیدگاه بختین در بررسی آثار شاملو به ویژه مورد توجه پژوهشگرانی نظیر جوهرزاده و همکاران قرار گرفته که در تحلیل مشترکات سیاسی و اجتماعی شاملو با دیگر شاعران جهان، تأکید کرده‌اند که شاملو توانسته است از بینامتنیت برای به تصویر کشیدن مفاهیم اجتماعی بهره ببرد (۲).

در نگاهی دیگر، پژوهشگران به نقش بینامتنیت در بازنمایی موضوعات خاص اجتماعی و سیاسی در شعر شاملو پرداخته‌اند.

هستند، زیرا شاعر با بهره‌گیری از بینامتنیت، توانسته است به مفاهیم اجتماعی و سیاسی پیچیده‌ای اشاره کند که بدون این ارجاعات به متون تاریخی و سیاسی، عمق خود را از دست می‌دهند. این دیدگاه میان شاملو و شاعرانی چون ناظم حکمت یا والت ویتمن نیز مشترک است که به‌صورت نمادین از پیوندهای بینامتنی برای انعکاس اعتراضات اجتماعی و پایداری بهره برده‌اند (7).

ژرار ژنت، نظریه‌پرداز برجسته‌ای که به شکلی جامع و دقیق به تبیین بینامتنیت پرداخته است، انواع مختلفی از ارتباطات بینامتنی را مطرح می‌کند. او بینامتنیت را به چهار نوع تقسیم می‌کند: بینامتنیت، سرمتنیت، بیش‌متنیت و پیرامتنیت. این دسته‌بندی‌ها ابزاری ارزشمند برای تحلیل چگونگی تعامل و پیوند میان اشعار شاملو و متون تاریخی و سیاسی فراهم می‌آورند. بینامتنیت از نوع «بینامتنی» به پیوند مستقیم میان متن‌ها اشاره دارد، که در آن یک متن به‌صراحت به متن دیگری ارجاع می‌دهد یا بخشی از آن را در خود بازتاب می‌دهد. در اشعار شاملو نیز چنین ارجاعات مستقیمی مشاهده می‌شود که به وضوح نشانگر تأثیرپذیری او از وقایع سیاسی و اجتماعی زمانه‌اش هستند. برای مثال، برخی از اشعار او به‌صراحت به شخصیت‌ها، رخدادها و داستان‌های تاریخی ایران ارجاع می‌دهند که از آن‌ها برای انتقال پیام‌های انتقادی یا اعتراضی بهره برده است (4).

از سوی دیگر، سرمتنیت به نوعی از ارتباط اشاره دارد که در آن یک متن به‌عنوان الگو یا متن مرجع برای متن دیگر عمل می‌کند. این نوع از بینامتنیت در اشعار شاملو نیز دیده می‌شود، به‌گونه‌ای که او از الگوهای ادبی و اساطیری بهره می‌برد تا به مخاطبان خود مفاهیم خاصی را منتقل کند. سرمتنیت به شاملو این امکان را داده است که از ساختارهای کهن و روایات تاریخی به‌عنوان چارچوبی برای بازتاب اعتراضات اجتماعی خود استفاده کند و از این طریق، درک مفاهیم سیاسی و اجتماعی را در میان مخاطبانش تعمیق بخشد. این ویژگی در اشعار شاملو که به بیان اعتراضات و

تاریخی، نوعی پیوند بینامتنی ایجاد می‌کند و از این طریق، اشعار خود را به بستری برای بازنمایی هویت و فرهنگ جامعه تبدیل می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که شاملو با استفاده از عناصر اسطوره‌ای و تاریخی، اشعاری را خلق کرده است که نه تنها از نظر زیبایی‌شناختی غنی هستند، بلکه از نظر محتوایی نیز بازتاب‌دهنده فرهنگ و هویت جامعه ایرانی‌اند. این رویکرد به‌ویژه در اشعار او که به بیان مفاهیم اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند، نمایانگر تأثیر عمیق بینامتنیت بر تفسیر و درک اشعار شاملو است و از آن به‌عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بهره می‌برد (9).

در مجموع، پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بینامتنیت به‌عنوان یک رویکرد تحلیل متنی، نقشی حیاتی در فهم و تفسیر اشعار احمد شاملو دارد. پژوهشگران مختلف با استفاده از این رویکرد به تحلیل عمق معنایی اشعار شاملو و ارتباط آن با متون تاریخی و سیاسی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که شاملو با بهره‌گیری از بینامتنیت، توانسته است مفاهیم عمیق‌تری از اعتراضات اجتماعی و نقد سیاسی را در اشعار خود جای دهد. از طریق این رویکرد، شاملو موفق به خلق اشعاری شده است که از نظر معنایی پیچیده و چندلایه‌اند و مخاطب را به تأمل و بازاندیشی در خصوص شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه وادار می‌کند.

چارچوب نظری

در تحلیل متون ادبی، نظریه بینامتنیت به‌عنوان ابزاری حیاتی برای تفسیر و تحلیل نقش‌های متعدد و لایه‌های معنایی پنهان در متون به کار می‌رود. این نظریه در اصل توسط ژولیا کریستوا مطرح شد و بر پایه اندیشه‌های باختمین شکل گرفت. بینامتنیت بر این ایده استوار است که هر متن ادبی، حاصل تأثیر و تعامل با سایر متون است و به‌طور مستقل و مجزا قابل‌درک نیست. به‌عبارتی، متون مختلف از طریق ارجاعات، اقتباس‌ها و اشارات به یکدیگر مرتبط‌اند و این ارتباط بینامتنی موجب غنای معنایی آن‌ها می‌شود. در اشعار احمد شاملو، این پیوندها و ارجاعات به‌وضوح نمایان

مقاومت‌های اجتماعی می‌پردازد، قابل توجه است، چرا که استفاده از داستان‌ها و الگوهای آشنا باعث شده است تا مفاهیم به‌سادگی به مخاطبان منتقل شود و ارتباط بیشتری با مخاطب برقرار شود (9).

ژنت همچنین مفهومی به نام بیش‌متنیت را مطرح می‌کند که به نوعی از بینامتنیت اشاره دارد که در آن یک متن، اقتباس یا بازنویسی متنی دیگر است و به‌طور غیرمستقیم به آن ارجاع می‌دهد. این ویژگی نیز در اشعار شاملو دیده می‌شود، به‌ویژه در آثاری که با ارجاع به متون تاریخی و وقایع سیاسی، از این منابع به‌عنوان پایه‌ای برای خلق مضامین نوین و پیام‌های اجتماعی بهره می‌گیرد. بیش‌متنیت در شعر شاملو به این معناست که شاعر با بازتفسیر و استفاده خلاقانه از منابع تاریخی و سیاسی، پیوندهایی میان شعر و تاریخ ایجاد کرده و از این طریق، پیام‌های خود را به شیوه‌ای نو و تأثیرگذار به مخاطب منتقل می‌کند. این نوع بینامتنیت در ادبیات مقاومت نیز پرکاربرد است، چرا که بازآفرینی و اقتباس از متون قدیمی، هم‌زمان با اشاره به ظلم‌ها و نابرابری‌های اجتماعی، به مخاطبان امکان می‌دهد تا درک عمیق‌تری از شرایط زمانه پیدا کنند و تاریخ را از دریچه‌ای تازه بنگرند (2).

نظریه گفت‌وگومندی میخائیل باختین نیز یکی از نظریات مهم در تحلیل بینامتنیت در اشعار شاملو است. باختین مفهوم چندصدایی و گفت‌وگو میان متون را به‌عنوان ابزاری برای تحلیل متون پیشنهاد می‌دهد که در آن، متون مختلف به‌صورت هم‌زمان با یکدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند و معانی گوناگونی را به متن اصلی می‌افزایند. این دیدگاه در اشعار شاملو به‌خوبی قابل مشاهده است، چرا که اشعار او با اشاره به متون تاریخی و سیاسی و بازنمایی آن‌ها به‌نوعی گفت‌وگو میان شعر و تاریخ ایجاد می‌کند. گفت‌وگومندی در اشعار شاملو به‌گونه‌ای است که مخاطب می‌تواند مفاهیم جدیدی از این اشعار استخراج کند و با نگاهی تازه به شرایط اجتماعی و سیاسی روز نگاه کند. باختین معتقد است که این

گفت‌وگو میان متون، باعث افزایش لایه‌های معنایی و ایجاد چندصدایی در متن می‌شود که خواننده را به تأمل و بازاندیشی در خصوص معانی عمیق‌تر سوق می‌دهد (8).

در کنار این نظریات، تحلیل بینامتنیت در اشعار شاملو نیازمند رویکردهایی تحلیلی نیز هست که بتوانند نحوه پیوند و تعامل او با متون تاریخی-سیاسی را به‌طور دقیق‌تری بررسی کنند. یکی از این رویکردها، تحلیل تطبیقی است که به بررسی و مقایسه اشعار شاملو با متون تاریخی و سیاسی می‌پردازد و به تحلیل چگونگی تأثیرپذیری و اقتباس او از این متون کمک می‌کند. تحلیل تطبیقی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که پیوندهای معنایی و تأثیرات تاریخی و سیاسی بر اشعار شاملو را شناسایی کند و با استفاده از این پیوندها، به تفسیر دقیق‌تر و عمیق‌تری از اشعار وی برسد. این روش تحلیلی به‌ویژه در آثاری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به وقایع تاریخی یا شخصیت‌های سیاسی اشاره دارند، کاربردی است، زیرا می‌توان رابطه میان اشعار شاملو و رخداد‌های تاریخی را به‌وضوح مشاهده کرد (5, 6).

رویکرد دیگر در این پژوهش، تحلیل نشانه‌شناختی است که به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیلی مهم برای بررسی چگونگی به‌کارگیری نمادها و نشانه‌های بینامتنی در اشعار شاملو به کار می‌رود. این روش به پژوهشگر کمک می‌کند تا به تحلیل نشانه‌های موجود در اشعار و ارجاعات بینامتنی آن‌ها بپردازد و از این طریق، لایه‌های معنایی جدیدی را در شعر کشف کند. تحلیل نشانه‌شناختی به‌ویژه در اشعاری که از نمادها و ارجاعات به متون تاریخی و سیاسی بهره می‌برند، مؤثر است، زیرا از طریق بررسی این نشانه‌ها می‌توان به عمق معانی و ارتباط‌های پنهان میان شعر و تاریخ پی برد. شاملو در بسیاری از اشعار خود از نشانه‌های بینامتنی بهره می‌گیرد که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به وقایع تاریخی و اجتماعی زمان خود اشاره دارند و تحلیل این نشانه‌ها می‌تواند به شناخت عمیق‌تری از اشعار او کمک کند (3).

مظلوم، به نوعی با رخدادهای تاریخی و سیاسی در ایران پیوند می‌خورد. شاملو با استفاده از تصاویر قوی و نمادین، از این شعر به‌عنوان ابزاری برای نقد ساختارهای قدرت و حکومت‌های استبدادی بهره برده است. در این شعر، بینامتنیت به شکلی نمایان است که مخاطب به‌سرعت متوجه ارتباط میان تصاویر شعری و واقعیت‌های تاریخی می‌شود و از این طریق می‌تواند مفاهیم اجتماعی و سیاسی را با عمق بیشتری درک کند. شاملو با استفاده از نمادهایی که در تاریخ سیاسی ایران ریشه دارند، به نوعی گفت‌وگو میان شعر و تاریخ دامن می‌زند که این مسئله، به فهم بهتر شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه او کمک می‌کند (4).

در شعر دیگر شاملو به نام «به بهانه آزادی»، شاعر با ارجاع به مفاهیم و نمادهای تاریخی، به بیان اعتراضات خود نسبت به وضعیت آزادی و حقوق انسانی در جامعه پرداخته است. این شعر نیز مملو از ارجاعات بینامتنی است که به‌شکلی نمادین به انقلاب‌ها و مبارزات اجتماعی اشاره می‌کند و به خواننده این امکان را می‌دهد تا شرایط اجتماعی زمان شاملو را درک کند. در این شعر، شاملو از طریق استفاده از بینامتنیت و بهره‌گیری از منابع تاریخی، شرایط سرکوب و محدودیت‌های اجتماعی را به‌شکلی مؤثر به تصویر کشیده است. این نوع استفاده از بینامتنیت، شاملو را قادر می‌سازد تا از طریق شعر خود به بیان نقدهای اجتماعی و سیاسی بپردازد و به‌شکلی غیرمستقیم، ساختارهای نابرابری را مورد پرسش قرار دهد. در اینجا، بینامتنیت به او این امکان را می‌دهد که ضمن حفظ زیبایی‌شناسی شعری، به بیان پیام‌های اعتراضی بپردازد (2).

از دیگر اشعار شاملو که در آن استفاده از بینامتنیت با متون تاریخی و سیاسی به‌خوبی دیده می‌شود، شعر «با چشم‌ها» است. این شعر با تصاویری از مظلومیت و سرکوب، به‌شکلی غیرمستقیم به وقایع سیاسی و اجتماعی ایران اشاره دارد و از این طریق، بینامتنیت را به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی مفاهیم اجتماعی به کار می‌گیرد. شاملو با استفاده از تصاویر تأثیرگذار در این شعر، به مخاطب این

بنابراین، چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه بینامتنیت و با استفاده از رویکردهای تحلیلی مختلف مانند تحلیل تطبیقی و نشانه‌شناختی طراحی شده است. این چارچوب به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با تحلیل دقیق و جامع اشعار شاملو، به درک بهتری از چگونگی تأثیرپذیری او از متون تاریخی و سیاسی و نحوه بازتاب این متون در شعرهایش برسد. این چارچوب همچنین به پژوهشگر این فرصت را می‌دهد که با بهره‌گیری از نظریات ژنت و باختین، پیوندهای معنایی میان اشعار شاملو و متون تاریخی-سیاسی را به‌صورت دقیق‌تری تحلیل کند و به شناخت بهتری از ابعاد اجتماعی و سیاسی اشعار او دست یابد.

تحلیل و بررسی

اشعار احمد شاملو از مهم‌ترین آثار ادبیات فارسی معاصر به شمار می‌رود که به دلیل بهره‌گیری از بینامتنیت با متون تاریخی و سیاسی، لایه‌های پیچیده و عمیقی از معنا و تفسیر را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. شاملو با آگاهی عمیق از تاریخ و سیاست جامعه، توانسته است اشعاری خلق کند که نه تنها از نظر زیبایی‌شناسی ادبی برجسته هستند، بلکه حاوی پیامی اجتماعی و سیاسی نیز می‌باشند. بینامتنیت در اشعار او از طریق ارتباط با رخدادهای تاریخی و مفاهیم سیاسی، مخاطب را به‌سوی فهمی عمیق‌تر از مضامین اجتماعی سوق می‌دهد. اشعار شاملو، مملو از ارجاعات به رویدادها و شخصیت‌های تاریخی هستند که با استفاده از این پیوندهای بینامتنی، توانسته‌اند بستر مناسبی برای نقد جامعه و ساختارهای قدرت ایجاد کنند. به عبارت دیگر، بینامتنیت در اشعار شاملو به او این امکان را می‌دهد تا در قالب شعر، اعتراضات اجتماعی خود را با عمق و تأثیری بیشتر به مخاطبان منتقل کند (1).

یکی از اشعار برجسته شاملو که در آن بینامتنیت با متون تاریخی و سیاسی به‌وضوح قابل مشاهده است، شعر «در آستانه» است. این شعر با بازنمایی تصاویری از درد و رنج انسان‌های سرکوب‌شده و

امکان را می‌دهد تا با دیدی انتقادی به شرایط اجتماعی نگاه کند و این مسئله از طریق پیوند بینامتنی با رخدادهای تاریخی و سیاسی ایران تقویت می‌شود. شعر «با چشم‌ها» نماد مقاومت و اعتراض در برابر ظلم و سرکوب است و از طریق بینامتنیت با تاریخ، به شعری ماندگار و پرمفهوم تبدیل شده است که همچنان قدرت تأثیرگذاری خود را حفظ کرده است (5, 6).

از منظر دیگر، بینامتنیت در اشعار شاملو به او این امکان را داده است که با استفاده از نمادهای تاریخی و ارجاعات به شخصیت‌های اسطوره‌ای، اشعاری را خلق کند که نه تنها از نظر زیبایی‌شناسی شعری ارزشمند هستند، بلکه به‌شکلی عمیق با مفاهیم اجتماعی پیوند دارند. به‌عنوان مثال، شاملو با ارجاع به شخصیت‌هایی همچون «رستم» و «سیاوش» در برخی از اشعار خود، از بینامتنیت برای ایجاد پیوند میان شعر و تاریخ استفاده می‌کند و از طریق بازتاب اسطوره‌های ایرانی، به بیان اعتراضات و نقدهای اجتماعی می‌پردازد. استفاده از شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای در اشعار شاملو به‌ویژه در ادبیات مقاومت فارسی، به‌عنوان روشی مؤثر برای ارتباط دادن مفاهیم معاصر به اسطوره‌های ملی و تاریخی ایران مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله به‌شکل واضحی نشان می‌دهد که شاملو چگونه از منابع تاریخی و اسطوره‌ای برای خلق مفاهیم جدید و ارائه نقدهای اجتماعی بهره می‌برد (3).

یکی از ویژگی‌های بارز بینامتنیت در اشعار شاملو، به‌کارگیری زبان نمادین و استعاری برای بیان اعتراضات و نقدهای اجتماعی است. در بسیاری از اشعار او، ارجاعات غیرمستقیم به وقایع تاریخی و سیاسی به چشم می‌خورد که باعث می‌شود اشعار او عمق معنایی بیشتری پیدا کند و مخاطب را به تأمل در خصوص شرایط اجتماعی و سیاسی وادار سازد. این ویژگی به‌خصوص در اشعاری که به موضوعاتی چون آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر پرداخته‌اند، برجسته‌تر است. شاملو با بهره‌گیری از نمادها و

استعاراتی که به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران اشاره دارند، از بینامتنیت به‌عنوان ابزاری برای بیان اعتراضات خود استفاده کرده است و این مسئله باعث شده است تا اشعار او در ادبیات فارسی به‌عنوان نمونه‌هایی از ادبیات مقاومت شناخته شوند. استفاده از زبان نمادین و ارجاعات بینامتنی، شاملو را قادر ساخته است که به‌شکلی مؤثر به بیان مفاهیم عمیق اجتماعی و سیاسی بپردازد و به ایجاد ارتباط با مخاطب کمک کند (8).

در اشعار شاملو، استفاده از بینامتنیت با متون تاریخی و سیاسی نه تنها به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی مفاهیم اجتماعی، بلکه به‌عنوان روشی برای ایجاد پیوند میان شعر و تاریخ نیز عمل می‌کند. این مسئله به‌ویژه در اشعاری که به مبارزات اجتماعی و جنبش‌های آزادی‌خواهانه اشاره دارند، بیشتر به چشم می‌خورد. شاملو از طریق بینامتنیت، به بازنمایی وقایع تاریخی و اجتماعی می‌پردازد و از این طریق، به شعر خود بعدی اجتماعی و سیاسی می‌بخشد که به‌شکلی مستقیم و غیرمستقیم با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. این شیوه، به شاملو این امکان را می‌دهد که از طریق شعر، به بیان نقدهای اجتماعی بپردازد و از طریق ارجاعات به متون تاریخی و سیاسی، پیام‌های خود را به مخاطب منتقل کند. به این ترتیب، اشعار شاملو به متونی تبدیل می‌شوند که به‌طور هم‌زمان از نظر زیبایی‌شناسی و محتوایی غنی هستند و مخاطب را به تفکر وادار می‌کنند (9).

در مجموع، بررسی اشعار شاملو نشان می‌دهد که بینامتنیت به‌عنوان روشی برای بازنمایی مفاهیم اجتماعی و سیاسی، نقش مهمی در اشعار او ایفا می‌کند. شاملو با استفاده از این رویکرد، توانسته است اشعاری خلق کند که به‌واسطه پیوند با متون تاریخی و سیاسی، به متونی چندلایه و پرمعنا تبدیل شده‌اند. استفاده از ارجاعات تاریخی و نمادهای اسطوره‌ای در اشعار شاملو، به او این امکان را داده است که از شعر خود به‌عنوان ابزاری برای بیان اعتراضات اجتماعی بهره ببرد و به نقد شرایط اجتماعی و سیاسی بپردازد. این ویژگی،

اشعار او همچنان قابلیت بازخوانی و تأمل را در دوره‌های مختلف تاریخی دارا هستند (8).

این پژوهش نشان داد که اشعار شاملو با استفاده از بینامتنیت و پیوندهای معنایی با متون تاریخی، به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی عمل کرده‌اند. از این طریق، اشعار شاملو به متونی تبدیل شده‌اند که نه تنها به بازتاب شرایط تاریخی زمان خود می‌پردازند، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز حامل پیام‌های عمیقی هستند. به‌عنوان مثال، شعرهایی چون «در آستانه» و «به بهانه آزادی» با به تصویر کشیدن شرایط اجتماعی و سرکوب سیاسی، به نمادهایی از ادبیات مقاومت در ادبیات فارسی تبدیل شده‌اند. این اشعار نشان‌دهنده پیوند عمیق میان شعر و واقعیت‌های اجتماعی-سیاسی زمان شاعر هستند و از طریق بینامتنیت، به بیان اعتراضات و نقدهای اجتماعی پرداخته‌اند. این مسئله به‌ویژه برای پژوهشگران ادبیات فارسی اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد که اشعار شاملو به‌عنوان نمونه‌هایی از ادبیات اعتراض، دارای ارزشی تاریخی و اجتماعی هستند که از طریق بینامتنیت به آن‌ها افزوده شده است (2).

از سوی دیگر، این پژوهش نشان داد که بینامتنیت در اشعار شاملو نه تنها ابزاری برای بیان اعتراضات سیاسی بوده، بلکه به‌عنوان روشی برای انتقال پیام‌های اخلاقی و انسانی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. شاملو با بهره‌گیری از ارجاعات تاریخی و اجتماعی، موفق شده است تا از شعر به‌عنوان بستری برای انتقال پیام‌های انسان‌دوستانه استفاده کند و به بیان موضوعاتی چون آزادی، عدالت و مقاومت بپردازد. این ویژگی به‌شکل ویژه‌ای در اشعار او برجسته است و نشان می‌دهد که چگونه بینامتنیت می‌تواند به انتقال مفاهیم انسانی کمک کند. این مسئله همچنین برای مطالعات بینارشته‌ای در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است، چرا که نشان‌دهنده کاربردهای گسترده بینامتنیت در بازنمایی مفاهیم اجتماعی و اخلاقی است (1).

اشعار شاملو را به نمونه‌هایی از ادبیات مقاومت و اعتراض تبدیل کرده است که همواره جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی داشته‌اند و تأثیر عمیقی بر مخاطبان خود گذاشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل اشعار احمد شاملو در این پژوهش نشان داد که بینامتنیت به‌عنوان رویکردی کلیدی در ساختار و محتوای شعر او نقش مؤثری در تعمیق مفاهیم اجتماعی و سیاسی داشته است. شاملو با بهره‌گیری از پیوندهای میان اشعار خود و متون تاریخی و سیاسی، به خلق فضایی پرداخته که مخاطب را به درک عمیق‌تر و پیچیده‌تری از شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه سوق می‌دهد. این پژوهش بر اهمیت بینامتنیت در ایجاد ابعاد مختلف معنا در اشعار شاملو تأکید کرده است؛ زیرا از طریق این رویکرد، شاملو موفق به بازنمایی اندیشه‌های خود در قالب‌هایی مملو از اشارات و ارجاعات ضمنی شده که لایه‌های معنایی متعددی را به متن افزوده است. این ویژگی، اشعار شاملو را به متونی چندلایه و دارای عمق محتوایی تبدیل کرده که مخاطبان را با تاریخ و مفاهیم سیاسی آشنا می‌کند و به تأملی جدید در این زمینه‌ها وامی‌دارد (5, 6).

بررسی دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از بینامتنیت در اشعار شاملو، به‌ویژه در اشعاری که به موضوعات اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند، نه تنها باعث عمق بخشیدن به مضامین و معانی شده، بلکه از نظر ساختاری نیز به ارزش افزوده است. بینامتنیت در شعر شاملو با استفاده از ارجاعات و نمادهایی که به متون تاریخی و سیاسی اشاره دارند، به او این امکان را داده است تا شعر خود را از قالب ساده و بی‌پیرایه خارج کرده و آن را به ابزاری برای بیان اعتراضات و افکار اجتماعی تبدیل کند. استفاده از شخصیت‌ها و رخداد‌های تاریخی در اشعار او به گونه‌ای است که مخاطب با شناخت بهتر زمینه تاریخی و فرهنگی شعر، به فهم دقیق‌تر از پیام‌های شاعر نائل می‌شود. به همین دلیل، شاملو به یکی از نمادهای اصلی ادبیات اعتراض در ایران تبدیل شده است و

مناسب برای تحلیل‌های بینامتنی فراهم می‌کند که می‌تواند به درک بیشتری از تعامل میان مفاهیم تاریخی و اجتماعی در این آثار منجر شود. این نوع پژوهش‌ها می‌توانند به شناخت بیشتری از تاریخ و فرهنگ جامعه ایرانی و پیوندهای آن با ادبیات کمک کنند و به تأثیرگذاری بیشتر در حوزه‌های ادبی و تاریخی بینجامند (9).

در نهایت، این پژوهش به‌عنوان یک نمونه مطالعاتی در زمینه بینامتنیت و ادبیات فارسی، می‌تواند به گسترش مطالعات بینامتنی در ادبیات فارسی کمک کند و به پژوهشگران این امکان را بدهد که با استفاده از این رویکرد، به تحلیل دقیق‌تری از متون ادبی بپردازند. از طریق استفاده از بینامتنیت، پژوهشگران قادر خواهند بود تا به ابعاد عمیق‌تری از متون ادبی دست یابند و ارتباطات معنایی و فرهنگی میان آثار مختلف را شناسایی کنند. این نوع مطالعات می‌تواند به تقویت ادبیات فارسی و ارتقای سطح نقد ادبی در ایران کمک کند و به شناخت بیشتری از ادبیات مقاومت و اعتراض در تاریخ ادبیات فارسی منجر شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study explores the role of intertextuality in Ahmad Shamloo's poetry, examining how he uses historical and political texts to construct a profound commentary on social and political issues in Iran. Shamloo (1925–2000), widely recognized as a prominent figure in modern Persian poetry, utilizes intertextuality to infuse his poetry with multiple layers of meaning, allowing readers to access not only aesthetic but also deeply socio-political content. The

دستاوردهای این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که تحلیل بینامتنیت در اشعار فارسی، به‌ویژه در اشعار احمد شاملو، می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا به درک دقیق‌تری از چگونگی بازنمایی مفاهیم اجتماعی و سیاسی در ادبیات فارسی دست یابند. از این منظر، این پژوهش می‌تواند نقطه آغازی برای مطالعات بیشتر در زمینه بینامتنیت در ادبیات فارسی باشد و به پژوهشگران این امکان را بدهد تا به تحلیل‌های جامع‌تری از اشعار معاصر بپردازند. بینامتنیت به‌عنوان یک رویکرد نوین در نقد ادبی، ابزارهای جدیدی را برای تحلیل متون فارسی ارائه می‌دهد که می‌تواند به فهم بهتر از ساختار و محتوای این آثار کمک کند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به تحلیل دقیق‌تری از بینامتنیت در آثار دیگر شاعران معاصر پرداخته و از این طریق، به شناخت بیشتری از تعامل میان شعر و واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی دست یابند (3).

یکی دیگر از پیشنهادها این پژوهش، پرداختن به بررسی نقش بینامتنیت در ادبیات فارسی کلاسیک است. اگرچه بینامتنیت عمدتاً در تحلیل متون معاصر به کار می‌رود، اما مطالعه پیوندهای بینامتنی در آثار کلاسیک می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی را درباره تعامل میان ادبیات و تاریخ به پژوهشگران ارائه دهد. ادبیات فارسی کلاسیک با توجه به ماهیت چندلایه و استفاده از عناصر نمادین، بستری

study is anchored in Gérard Genette's theoretical framework, particularly his categorization of intertextuality types, which includes direct textual references, structural borrowing, adaptation, and symbolic allusions. In addition to Genette's theories, this paper references Mikhail Bakhtin's concept of dialogism, which emphasizes a polyphonic relationship between texts. The objective is to demonstrate how Shamloo's work serves as a socio-political document while remaining a

powerful piece of literature, merging political critique and historical resonance within Persian poetic form (4).

The study initially grounds itself in the theoretical framework of intertextuality, emphasizing its role in creating meaningful layers within texts. Intertextuality, as introduced by Julia Kristeva, and subsequently developed by Genette, views texts as inherently dialogic and interconnected. In this respect, Genette's concepts, particularly those of 'hypertextuality' and 'architextuality,' provide tools to dissect the intentional, nuanced interactions within Shamloo's poetry. These categories allow for analyzing both explicit references, such as to historical figures, and implicit structural or thematic references, revealing how Shamloo's poetry critiques oppressive socio-political structures. Scholars such as Rezabeigi, Irani, and Ghorbanian (2012) have also argued that modern Persian literature utilizes postmodern elements like intertextuality to reveal socio-political critiques, highlighting Shamloo as a poet who uses these techniques to build a layered commentary on power and resistance (3, 10). Shamloo's poems reflect a deliberate interplay between text and context, transforming historical references into a vehicle for social and political criticism. For instance, in poems such as "In the Threshold" and "In the Name of Freedom," he draws on images of suffering and oppression, frequently referencing Iran's political turmoil as well as broader revolutionary ideals. Shamloo leverages

hypertextuality to reshape political events and cultural memories into poignant criticisms of authoritarianism. These poems resonate with themes of human rights, dignity, and the struggle against political oppression, making Shamloo's work emblematic of resistance literature (Arian & Abbasi Montazeri, 2017). Scholars like Johar Zadeh, Hekmat, and Azizi (2022) emphasize that Shamloo's use of intertextuality not only contextualizes his poetry within Iranian history but also ties it to global movements for freedom and justice, making his work universally relevant. His intertextual references, both direct and nuanced, establish a historical dialogue that reveals his perspective on societal struggles, transforming his poetry into a reflection of collective memory (2).

The findings from this study further indicate that Shamloo's poems serve not only as a personal expression but also as a cultural artifact that documents the sociopolitical context of 20th-century Iran. By referencing historical figures and symbols, Shamloo intertwines Persian cultural heritage with universal ideals of freedom and justice, creating a bridge between past and present struggles. In "With Eyes," for example, Shamloo uses imagery that evokes political repression, turning his verses into calls for awareness and resistance. Satiarvand, Mohammadi, and Pournamdarian (2023) explain that this strategic use of imagery, combined with references to key political moments, positions Shamloo as a poet of both

cultural memory and social critique. Shamloo's poetry thus exists in a dual role: it preserves cultural and political events while questioning the legitimacy of power structures. By doing so, Shamloo not only immortalizes resistance but also engages readers in an active dialogue with their heritage, encouraging them to interpret his poetry in light of current social issues (4).

This intertextual approach is further supported by Bakhtin's theory of dialogism, which argues for a multiplicity of voices within a text. Shamloo's poetry exemplifies Bakhtin's dialogic nature, as it allows for a conversation between his voice and the voices of the historical figures or events he references. By utilizing a polyphonic approach, Shamloo's poetry remains relevant across generations, as each reader interprets these intertextual references within their own socio-political context. According to Johar Zadeh et al. (2022), Shamloo's dialogic intertextuality enables a new form of readership, one that is not passive but actively engaged in uncovering the socio-political narratives embedded in his poetry. This dialogic dimension also encourages readers to question historical narratives, allowing Shamloo's poetry to serve as a platform for collective critique and reflection (2).

The implications of this study for the broader field of Persian literature and intertextual studies are significant. By revealing how Shamloo's work exemplifies intertextuality's potential for socio-political critique, this

research provides a model for analyzing other modern Persian poets who engage in resistance literature. The use of intertextuality allows for a multidimensional analysis of poetry, one that considers the socio-historical background alongside the artistic composition. Given that intertextuality creates a dialogue between texts, it becomes an ideal approach for studying the complex social critiques within resistance literature.

In conclusion, this study demonstrates that Ahmad Shamloo's poetry represents a sophisticated use of intertextuality, serving as a mirror to both Persian cultural heritage and the socio-political struggles of his time. By embedding references to historical events and cultural symbols, Shamloo transforms his poetry into a multidimensional work that invites readers to reflect on both the past and present. This approach underscores the value of intertextual analysis in Persian literature, suggesting new avenues for future research, particularly within resistance literature. The study's findings indicate that future research could expand this analysis to include comparative studies of intertextuality in the works of other Persian poets or explore intertextuality's impact on reader interpretation across different historical periods.

References

1. Badlou E, Amirahmadi A, Eshqi Sardehi A. Examination of Religious Elements in Mehdi Akhavan Sales and Ahmad Shamloo's Poetry through Intertextual Theory. 2018.
2. Johar Zadeh R, Hekmat S, Azizi M. A Comparative Analysis of Shared Political, Social, and

Individual Ideas as Elements of Modernism in the Poetry of Ahmad Shamloo and Nazik Al-Malaika. *Comparative Literature Studies Quarterly*. 2022;16(63):61-78.

3. Rezabeigi M, Irani M, Ghorbanian M. Intertextuality and the Vicious Cycle: Two Postmodern Elements in the Novel *Pikare Farhad* by Abbas Maroufi. *Literary Criticism*. 2012;20(5):121-70.

4. Satiarvand A, Mohammadnezhad M, Pournamdarian R. Analysis of the Influence of Classical Persian Poets' Imagery in Shamloo's Compositions through an Intertextual Analytical Approach. *Interdisciplinary Literary Studies*. 2023;6(11):227-69.

5. Saadat Shoa M, Mortazavi A. Shadows of Social Naturalism in Some Poems from *Fresh Air* by Ahmad Shamloo. *Persian Poetry and Prose Researches*. 2023.

6. Saadat Shoa M, Mortazavi A. Ideological Confrontation of Shamloo with the Dominant Discourse in the Poem *With Eyes*. *Literary Criticism and Theory*. 2023;8(1):193-219.

7. Parsa S, Peyvandi G. Walt Whitman and Ahmad Shamloo. *Comparative Literature Studies Quarterly*. 2012;6(21):89-102.

8. Abbasi A, Montazeri A. A Comparative Study of Social and Political Perspectives in the Poetry of Nâzim Hikmet and Ahmad Shamloo. *Comparative Literature Studies Quarterly*. 2017;10(40):29-47.

9. Soltani A. Review and Analysis of Mythopoeia in Contemporary Poets' Works. *Literary Criticism Studies*. 2015;9(37):123-45.

10. Rezabeigi M, Irani M, Ghorbanian M. Intertextuality and the Vicious Cycle: Two Postmodern Elements in the Novel *Pikare Farhad* by Abbas Maroufi. 2013.